

DOI: [10.30512/kq.2022.16934.3137](https://doi.org/10.30512/kq.2022.16934.3137)

بازشناسی شخصیت و جایگاه علمی علی بن ابی حمزه بطائنی بر پایه روایات و تعامل فقیهان*

حسین محققیان^۱

محمدکاظم رحمان ستایش^۲

محمدصادق بخشی جویباری^۳

چکیده

علی بن ابی حمزه بطائنی از روایان مورد اختلاف، در توثیق و تضعیف است. او روایات فراوانی در منابع حدیثی دارد. بطائنی دو دوره متمایز در زندگی داشته است؛ در ابتدا از راویان امام صادق و کاظم (ع) بود و از وکیلان امام کاظم (ع) شناخته می‌شد. سپس، در پایان عمر با انکار امامت امام رضا (ع) از بنیان‌گذاران واقفه گشت. وی روایات بسیاری از امام صادق و کاظم (ع) گزارش کرده که از طریق مؤلفان اصول روایی، مشایخ ثقات، اصحاب اجماع و دیگر راویان به جوامع حدیثی راه یافته است. کثرت روایت‌های بطائنی در اصول روایی و پایه‌گذاری وقف و مذمت‌های برخی دانشیان رجالی موجب شده است تا گروهی در پذیرش روایت‌های وی توقف کنند و در کنار تضعیف بطائنی، روایت‌های وی را مردود بدانند. این پژوهش قصد دارد با بررسی شخصیت اجتماعی و علمی او، دلایل توثیق و تضعیف و تعامل فقها با روایت‌های وی، به بازشناختی از شخصیت بطائنی دست یابد. واژگان کلیدی: امام رضا (ع)، علی بن سالم، واقفه، تعارض روایات، شخصیت‌شناسی، جرح و تعدیل.

* تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲ (مقاله پژوهشی)

۱. پژوهشگر پژوهشکده علوم و معارف، پژوهشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) / mohgeg@yahoo.com

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه قم / Mk-setayesh@qom.ac.ir

۳. پژوهشگر پژوهشکده علوم و معارف، پژوهشگاه قرآن و حدیث / bakhshi.sadeg@gmail.com

۱- مقدمه

بهره‌مندی از حدیث نیازمند احراز اعتبار آن از جهت صدور و دلالت است. اطمینان به صدور احادیث ابتداء بر چند امر، از جمله شناخت احوال تک‌تک راویان سند دارد که بر عهده علم رجال است که دانشمندان آن به توثیق و تضعیف بسیاری از راویان پرداخته‌اند؛ ولی به دلیل فاصله داشتن دانش رجال از تراجم، به روایای مختلف زندگی راویان اشاره نشده است. به همین علت، شناخت زندگی‌نامه چنین روایانی در پذیرش و رد روایت‌های آنان اثرگذار است. بنابراین، تلاش برای کشف حقیقت و بازشناخت شخصیت‌های تأثیرگذار در عرصه حدیث، به خصوص اگر مورد اختلاف باشند، امری ضروری است. علی بن سالم معروف به علی بن ابی حمزه بطائنی یکی از همین شخصیت‌هاست.

بنابر آنچه خواهد آمد، بطائنی دو دوره متمایز در زندگی داشته است؛ در ابتدا از راویان امام صادق (ع) و کاظم (ع) بود و از وکیلان امام هفتم شناخته می‌شد. سپس، در پایان عمر با انکار امامت امام رضا (ع) از بنیان‌گذاران واقعه گشت. وی روایات بسیاری از امام صادق (ع) و کاظم (ع) گزارش کرده است که از طریق مؤلفان اصول روایی، مشایخ ثقات، اصحاب اجماع و دیگر راویان به جوامع حدیثی راه یافته است.

از یک سو، کثرت روایت‌های بطائنی در اصول روایی و از سوی دیگر، پایه‌گذاری وقف و مذمت‌های برخی دانشیان رجالی موجب شده است تا گروهی در پذیرش روایات وی توقف کنند و در کنار تضعیف بطائنی، روایت‌های وی را مردود بدانند. این پژوهش قصد دارد با بررسی شخصیت اجتماعی و علمی، دلایل توثیق و تضعیف و تعامل فقها با روایت‌های وی، به بازشناختی از شخصیت بطائنی دست یابد.

در بازشناسی شخصیت علی بن ابی حمزه بطائنی کتابی نگاشته نشده است؛ فقط یک پایان‌نامه در سطح سه حوزه و دیگری در مقطع ارشد جامعه المصطفی العالمیه دفاع شده است (پایان‌نامه «علی بن ابی حمزه بطائنی» نوشته سیدمرتضی مرتضوی دریچه‌ای سال ۱۳۹۱ ش و «علی بن ابی حمزه البطائنی فی میزان التوثیق؛ دراسة فیما ورد فی توثیق و فیما ورد فی قدحه و تضعیفه» نوشته حسین اسدق‌صیر سال ۱۴۳۵ق). همچنین، مقاله‌ای در پذیرش و رد روایات بطائنی نگاشته شده است (مقاله «روایت علی بن ابی حمزه بطائنی بین رد و قبول» نوشته مصطفی سلیمی‌زارع، مجله مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث، شماره پیاپی ۸/۳). ویژگی کلی این آثار، تمرکز بر توثیق و تضعیف بطائنی است و به زندگی و تراجم بطائنی و جایگاه او نزد فقها اشاره نشده است. به علاوه، ویژگی دیگر پژوهش حاضر، نوع تعامل با روایت‌های بطائنی است که در نتیجه با این آثار متفاوت است. این پژوهش سعی دارد، از گذر معرفی کامل شخصیت بطائنی و بیان جایگاه و نوع تعامل اصحاب و فقیهان با روایت‌های وی، وثاقت و ضعف او را تعیین کند. این اثر دارای چهار بخش است؛ تبارشناسی، توثیق و تضعیف رجالی، تعامل فقها با روایت‌های بطائنی و طرق به روایت‌های بطائنی در کتب اربعه.

۲- تبارشناسی بطائنی

نام «علی»، کنیه «ابوالحسن»، نام پدر «سالم» و کنیه پدر «ابو حمزه» بود (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ۲۴۹، ش ۶۵۶/ طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۶۱، ش ۴۱۸/ طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۲۹، ش ۱۳۱۶) و ملقب به

«بطائنی» شد (در این نوشتار از عنوان بطائنی در یادکرد راوی استفاده می‌شود). «بطائن» جمع «بطانة» به معنای درون و مخالف اظهار است. ظاهراً به جهت خرید و فروش آستر لباس، به این وصف شهرت یافته است (ر.ک: مامقانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۰، ش ۲۶۱۹). روایتی به بزاز بودن او تصریح می‌کند (ر.ک: صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۷۲، ح ۵ و ص ۲۵۷، ح ۲). از بطائنی با عنوان «مولی الأنصار» نیز یاد شده است. برقی، نجاشی و طوسی در عداد اصحاب امام صادق(ع) وی را کوفی شمرده‌اند (ر.ک: برقی، ۱۴۲۰، ص ۲۵ / نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۴۹، ش ۶۵۶ / طوسی، ۱۴۲۰، ص ۲۴۵، ش ۲۴۰۳). برقی در شمارش اصحاب امام کاظم(ع) با تعبیر «الأنصاری البغدادی» از او یاد می‌کند (ر.ک: برقی، ۱۴۲۰، ص ۴۸). شاید این سه عبارت مربوط به سه دوره از زندگی بطائنی باشد. زمان امام صادق(ع) با شاگردی ابوبصیر، در مدینه، با انصار، پیوند ولاء داشت. سپس، با وکالت از امام کاظم(ع) به کوفه رفت و با زندانی شدن امام کاظم(ع) در بغداد سکنی گزید.

۲-۱- ولادت و وفات

بطائنی از اصحاب امام صادق(ع) (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۴۹، ش ۶۵۶ / طوسی، ۱۴۲۰، ص ۲۴۵، ش ۲۴۰۳) و راهنما و عصاکش ابوبصیر بود (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۴۹، ش ۶۵۶). ابوبصیر دو سال پس از شهادت امام صادق(ع) در سال ۱۵۰ قمری وفات کرد (ر.ک: همان، ص ۴۴۱، ش ۱۱۸۷ / طوسی، ۱۴۲۰، ص ۳۲۱، ش ۴۷۹۲). بطائنی تا پایان عمر ابوبصیر در کنارش بود. بنابر روایتی، امام کاظم(ع) جانشینی در کارهای ابوبصیر را به او داد (ر.ک: راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۱۶). باتوجه به تاریخ وفات بطائنی در حدود سال ۲۰۰ قمری و اینکه نامش در بین معمران نیامده، احتمالاً متولد حدود سال‌های ۱۱۵ تا ۱۲۵ قمری است.

برخی روایات، زمان مرگ بطائنی را هنگام حضور امام رضا(ع) در خراسان می‌دانند. و شاء می‌گوید: هنگام وفات بطائنی، در خراسان بودم که امام رضا(ع) خبر درگذشت بطائنی را بیان کردند (ر.ک: طبری آملی، ۱۴۱۳، ص ۳۶۵، ح ۳۱۲ / یونس بن عبدالرحمان این مضمون را از امام رضا(ع) بدون نام خراسان نقل می‌کند؛ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۴۴، ش ۸۳۳). حضور امام رضا(ع) در خراسان، سال ۲۰۱ تا ۲۰۳ قمری است (ر.ک: یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۴۵۳). پس وفات بطائنی همین حدود است. و شاء می‌گوید: پس از اندکی، نامه‌ای از کوفه، صحت مرگ بطائنی را تأیید کرد که شاید آخرین محل زندگی بطائنی کوفه باشد.

۲-۲- اسامی در اسناد و طرق

بطائنی در اسناد روایات، نام‌های متعددی دارد. بنابر نرم‌افزار درایة‌النور، بطائنی در ۷۲۶ سند با اسامی ابن ابی حمزه، ابو حمزه، علی، علی بن ابی حمزه، علی بن سالم قرار دارد (موارد دیگری نیز هست که به بررسی مفصل‌تری نیاز دارد). تطبیق این اسامی بر بطائنی از طریق روایت از ابوبصیر و یا روایت شاگردان و ملاحظه طبقه است.

«علی بن ابی حمزه ثمالی» و بطائنی هر دو محضر امام صادق و کاظم(ع) را درک کرده‌اند. محمد بن

فضیل از اصحاب امام رضا(ع)، راوی مختص از ثمالی است و از بطائنی روایتی ندارد (در کتب اربعه)، محمد بن فضیل، در ۴۴ طریق به ثمالی قرار دارد. در بعضی اسناد، تصریح به ثمالی شده و در مواردی، ابوحمزه از امام باقر(ع) نقل روایت می‌کند که بطائنی ایشان را درک نکرده است. حسن بن محبوب راوی مشترک این دو نفر است و با قرینه نقل روایت از امام باقر(ع) و یا تصریح به ثمالی و یا بطائنی تمییز داده می‌شود. قاسم بن محمد جوهری واقفی، ثمالی را درک نکرده و راوی اختصاصی از بطائنی است.

در فهرس، بطائنی در طریق به کتاب‌ها قرار ندارد. فقط در مشیخة الفقیه، در طریق به ابوبصیر قرار گرفته است (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۱۳، ج ۴، ص ۴۳۱). به نظر می‌رسد، بطائنی در نقل روایت‌های ابوبصیر، ناقل کتاب نیست؛ بلکه به سبب قائد ابوبصیر بودن، روایت‌های شفاهی او را منتقل می‌کند.

۳- توثیق و تضعیف

دیدگاه‌های متفاوتی در مورد بطائنی مطرح است؛ نخست: توثیق مطلق، دوم: ضعیف و غیرقابل اعتماد و سوم: وثاقت قبل از شهادت امام کاظم(ع) و تضعیف با پایه‌گذاری وقف.

۳-۱- توثیق مطلق

برخی با قبول فساد مذهب، بطائنی را توثیق کرده‌اند. طوسی (ر.ک: ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۰)، کلباسی (ر.ک: ۱۴۱۹، ج ۱، صص ۴۰۵-۴۳۳)، مامقانی (ر.ک: بی تا، ج ۲، صص ۲۶۱-۲۶۲) و نوری (ر.ک: ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۶۴)، بطائنی را ثقه و روایات او را به دلایل زیر قابل عمل می‌دانند.

۳-۱-۱- اجماع در عمل به روایت‌های واقفه

طوسی به هنگام ارزش‌گذاری اخبار راویان غیر امامی که معارضی از راویان امامی ندارند، با تصریح بر نام بطائنی می‌نویسد: «به خاطر آنچه گفته شد، شیعیان به روایت‌های فطحیه... و واقفی‌ها مثل سماعة بن مهران، علی بن ابی حمزة و عثمان بن عیسی عمل می‌کنند» (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۰). از این رو، بطائنی با وجود انحراف اعتقادی، اگر روایاتش معارض با روایت‌های راویان امامی نباشد قابل اعتماد است. عالمان دیگر نیز، بر عمل به احادیث بطائنی تأکید کرده‌اند. محقق حلی ذیل مسأله «سؤر طیور»، هنگام نقل روایت بطائنی و عمار ساباطی ادعای اجماع بر پذیرش روایت‌های این دو دارد و می‌نگارد: وجه در عمل به روایت‌های عمار و بطائنی، قبول اصحاب و ضمیمه شدن قرائن خارجی است. اصحاب به روایت‌های این دو مانند روایت‌های افراد ثقه عمل کرده‌اند. اگر در موارد خاص، روایت این‌ها رد شده است، در موارد خاص، خبرهای راویان ثقه نیز رد شده است. مراجعه به کتاب‌های اصحاب، گویای عمل آنان به روایت‌های این دو راوی است (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۹۴). به علاوه، وی در پذیرش روایات بطائنی قبل از وقف می‌نویسد: نگوید: بطائنی واقفی است؛ زیرا واقفی شدن با موت امام کاظم(ع) اتفاق افتاد. پس به قبل از آن ضرری نمی‌رساند. همچنین، اگر وهن در اعتقاد، در زمان تحدیث وجود داشته است، این ضعف با عمل اصحاب و قبول روایت‌های بطائنی جبران می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۸). بنابراین، فساد مذهب ملازم با ضعف در نقل احادیث نیست و واقفی بودن بطائنی، به معنای

تضعیف تمامی آموزه‌های او نیست.

۳-۱-۲- توثیق عملی

محدثان و فقیهان شیعی از بطائنی نقل روایت دارند. خاتمه مستدرک مفصل به این دلیل پرداخته است (ر.ک: نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۶۷/همچنین ر.ک: داورى، ۱۴۱۶، ص ۵۳۸)؛ این راویان را می‌توان در سه دسته جای داد:

نخست، نقل بزنبطی از بطائنی (در ۴۷ سند. ر.ک: صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۵۴، ح ۲۶۷۶ و ص ۳۶۶، ح ۲۷۲۹/ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۴۷، ح ۱۷۶)، ابن‌ابی‌عمیر (در ۲۵ سند. ر.ک: صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۵۹، ح ۵۳۶۱/ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۲۷، ح ۳ و ص ۳۲۸، ح ۵ و ص ۶۲۶، ح ۴) و صفوان (در چهار سند. ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰۴، ح ۱/ صدوق، ۱۳۹۸، ص ۹۸، ح ۴/ صدوق، ۱۴۰۶، ص ۲۱۲). طوسی درباره این افراد می‌نویسد: فقط از راویان ثقه نقل روایت می‌کنند (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱ ص ۱۵۴). این مشایخ در طریق نجاشی (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۵۰، ش ۶۵۶)، طوسی (ر.ک: طوسی، ۱۴۲۰، ص ۲۸۳، ش ۴۱۹) و شیخ صدوق در مشیخه (ر.ک: صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۸۸) به کتاب‌های بطائنی قرار گرفته‌اند.

گروه دوم، روایت برخی اصحاب اجماع از بطائنی؛ افرادی مانند حسن بن محبوب (۳۹ سند)، یونس بن عبدالرحمان (۲۰ سند)، حماد بن عیسی (۱۵ سند)، عثمان بن عیسی (۷ سند)، عبدالله بن مغیره (۴ سند)، فضالة بن ایوب (یک سند).

گروه سوم، برخی از محدثان ثقه و جلیل‌القدر مانند جعفر بن بشیر، علی بن حسن طاطری، حسین بن سعید، وشاء، علی بن حکم و... که به بیش از سی تن می‌رسند از بطائنی نقل روایت کرده‌اند که بیانگر اعتماد فقها و محدثان به روایات اوست (ر.ک: نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۶۷/همچنین ر.ک: داورى، ۱۴۱۶، ص ۵۳۸).

حاجی نوری با تأکید بر این دلیل بیان می‌کند: این بزرگان از بطائنی کثرت روایت دارند و معاصر با او بوده‌اند. همچنین، صاحبان کتب اربعه که این روایت‌ها را نقل کرده‌اند، سه حالت دارد؛ یا این افراد بر ضعف بطائنی مطلع نبوده‌اند و یا برای آن‌ها مهم نبوده است که از چه فردی نقل روایت می‌کنند و یا اینکه تضعیف بطائنی را قبول نداشته‌اند که این حالت سوم صحیح است (ر.ک: نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۶۷). اینکه این افراد قبل از وقف و در دوران امامت امام کاظم (ع) از وی نقل روایت کرده‌اند نیز، صحیح نیست؛ زیرا در میان این محدثان، افرادی مانند حسین بن سعید، موسی بن قاسم و اسماعیل بن مهران قرار دارند که دوران امام کاظم (ع) را درک نکرده‌اند (ر.ک: همان، ص ۴۶۸). همچنین، اینکه در هیچ روایتی نقل از وی به دوران سلامت مذهب مقید نشده است، نشان از وثاقت مطلق وی دارد (ر.ک: همان، همانجا).

۳-۱-۳- بطائنی در کتب اربعه

از دیگر دلایل وثاقت بطائنی اعتماد شیخ کلینی، شیخ صدوق و طوسی است به بطائنی است چراکه از

وی نقل روایت کرده‌اند.

کلینی در ۲۸۹ سند، شیخ صدوق در ۶۳ سند و طوسی در ۳۷۴ سند از بطائنی به عنوان راوی استفاده کرده‌اند. همچنین، صدوق در مشیخه بدون اشاره به ضعف بطائنی، طریق خود به روایت‌های بطائنی را مطرح (ر.ک: صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۸۸) و نیز، در طریق به ابابصیر از وی یاد می‌کند (ر.ک: همان، ص ۴۳۱).

به نظر می‌رسد، این دلیل به تنهایی نمی‌تواند وثاقت مطلق بطائنی را اثبات کند. بسیاری از راویان در دوران استقامت بطائنی از وی نقل روایت کرده‌اند و اعتماد صاحبان کتب اربعه بر این اساس است. صاحب «وسائل» می‌نویسد: اعتماد بر بطائنی به دلیل صاحب اصل بودن و در طریق به ابابصیر قرارگرفتن است (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳۰، ص ۴۲۲).

۳-۱-۴- عدم تضعیف رجالیان

طوسی، نجاشی و ابن غضائری در شرح حال بطائنی ضمن یادکرد از مذهب و انحراف عقیدتی او و تذکر اینکه او از سران و پایه‌گذاران وقف است، به تضعیف یا کذاب بودن او اشاره نکرده‌اند و این در کنار نقل اجماع طوسی در «العدة»، بیانگر اعتماد مطلق آنان به بطائنی و روایت‌های اوست.

۳-۱-۵- روایات مدح

از جمله دلایل وثاقت بطائنی روایاتی است که نشان‌دهنده جایگاه وی نزد امام کاظم(ع) است. این روایت‌ها هر چند به لحاظ سند ضعیف و مرسل هستند؛ ولی باتوجه به تضافر محتوایی می‌توانند دلیل بر وثاقت بطائنی باشند، نظیر:

۱. پی‌گیری امور محوله از جانب امام کاظم(ع)؛ ایشان(ع) بطائنی را در انجام اموری جانشین ابابصیر می‌کنند. همچنین، بطائنی وصی ابابصیر می‌شود (ر.ک: راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۱۵). در چند روایت دیگر (ر.ک: همان، ص ۳۱۹، ح ۱۳/ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۹۳) امام کمک به فقرا و در راه‌ماندگان را به بطائنی محول می‌کنند (ر.ک: کلباسی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۰۸).

۲. بر اساس روایتی، بطائنی مورد لطف امام کاظم(ع) قرار می‌گیرد و از مرگ نجات می‌یابد. این خبر دلالت بر حسن حال او دارد (ر.ک: طبری آملی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۲۹۲/ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۵۰۲، ش ۸۳۸).

۳. روایتی که پسر بطائنی ناقل آن است و ابوالحسن(ع) در آن برای بطائنی طلب علو درجه از خداوند دارد و در قسمت قبل گذشت.

به نظر می‌رسد، هیچ کدام از این سه دسته از روایت‌ها نمی‌توانند مثبت وثاقت بطائنی پس از شهادت امام کاظم(ع) باشد. دسته اول و دوم اختصاص به دوران امامت امام کاظم(ع) دارد، زمانی که مدح و وثاقت وی ثابت است، ولی از این روایت‌ها، برداشت این وثاقت تا پایان عمر نمی‌شود؛ به خصوص آنکه در چند روایت تصریح شده است که بطائنی تا لحظه مرگ مطرود و ملعون امام رضا(ع) بود. روایت سوم نیز قابل اتکاء نیست.

۳-۱-۶- بطائنی در اسناد تفسیر قمی

از دلایل توثیق بطائنی، واقع شدن نام وی در اسناد تفسیر قمی است (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، صص ۴۶-۴۷، ۵۵-۵۷، ۶۳)؛ با پذیرش این مبنا که راویان تفسیر قمی توثیق عام دارند، وثاقت وی نیز ثابت می‌شود.

۳-۱-۷- اعتماد مؤلفان کتاب‌های حدیثی بر روایت‌های بطائنی

جستجو در منابع روایی متقدم و متأخر بیانگر کثرت نقل روایت‌های بطائنی در این کتاب‌هاست. تقریباً تمامی کتاب‌های روایی باقی مانده از متقدمان، روایت‌هایی از بطائنی را در خود جای داده‌اند؛ نظیر: الزهد (ر.ک: اهوازی، ۱۴۰۲، صص ۶۳)، النوادر (ر.ک: اشعری، ۱۴۰۸، صص ۵۷)، تفسیر قمی (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، صص ۱۹۹)، قرب الاسناد (ر.ک: حمیری، ۱۴۱۳، صص ۳۳۵)، المحاسن (ر.ک: برقی، ۱۳۷۰، ج ۱، صص ۱۳۶)، بصائر الدرجات (ر.ک: صفار، ۱۴۰۴، صص ۱۵)، تفسیر عیاشی (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۱۹)، رجال کشی (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱، صص ۱۱)، الکافی (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۳۱)، فضائل امیرالمؤمنین (ع) (ر.ک: ابن عقده کوفی، ۱۴۲۴، صص ۸۸ و ۱۴۷)، الهدایة الکبری (ر.ک: خصیبی، ۱۴۱۹، صص ۱۲۰ و ۱۳۴)، التمهیص (ر.ک: اسکافی، ۱۴۰۴، صص ۳۱، ح ۸)، اثبات الوصیة (ر.ک: مسعودی، ۱۳۸۴، صص ۱۹۷ و ۲۶۹)، کفایة الاثر (ر.ک: خزاز رازی، ۱۴۰۱، صص ۱۴۳)، الغیبة (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷، صص ۱۸۸)، کامل الزیارات (ر.ک: ابن قولویه، ۱۳۵۶، صص ۴۹)، بیشتر آثار شیخ صدوق (ر.ک: صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، صص ۳۵۰، ح ۱۰۲۲ / ۱۳۷۶، صص ۱۱۲، ح ۲؛ ۱۴۰۳، صص ۱۳۲، ح ۱؛ ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۲۹، ح ۱۹؛ ۱۳۶۲، ج ۱، صص ۱۹؛ ۱۳۹۸، صص ۲۰، ح ۶) و شیخ مفید (ر.ک: ۱۴۱۳ الف، ج ۲، صص ۲۲۹؛ ۱۴۱۴، صص ۱۱؛ ۱۴۱۳، صص ۱۶۶؛ ۱۴۱۳، صص ۸، ح ۶؛ ۱۴۱۳، صص ۳۱۳)، تقریب المعارف (ر.ک: ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۴، صص ۴۳۱)، کنز الفوائد (ر.ک: کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، صص ۳۸۶)، دلایل الامامة (ر.ک: طبری آملی، ۱۴۱۳، صص ۱۰۲، ح ۳۲) و تألیفات شیخ طوسی (ر.ک: ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۲۲۸، ح ۶۵۹؛ ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۲۱، ح ۵۰؛ ۱۴۰۹، صص ۴۵۴ و ۴۷۵؛ ۱۴۱۴، صص ۱۲، ح ۱۵) اشاره کرد.

متأخران نیز به تبع پیشینیان، به منقولات بطائنی استناد نموده‌اند. روضة الواعظین (ر.ک: فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۲۱۴)، اعلام الوری (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۲، صص ۱۷۳)، جامع الاخبار (ر.ک: شعیری، بی تا، صص ۱۷)، مکارم الاخلاق (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۰، صص ۲۲۶)، بشارة المصطفی (ر.ک: طبری آملی، ۱۳۸۳، صص ۵۴)، قصص الانبیاء (ر.ک: راوندی، ۱۴۰۹ الف، صص ۵۹) و الدعوات (ر.ک: راوندی، ۱۴۰۷، صص ۲۵۲)، المناقب (ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، صص ۱۹۳)، الاحتجاج (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، صص ۶۸)، مستطرفات السرائر (ر.ک: ابن ادریس، ۱۴۱۰، صص ۵۹۶)، مشکاة الانوار (ر.ک: طبرسی، ۱۳۸۵، صص ۱۰۰)، المزار الکبیر (ر.ک: ابن مشهدی، ۱۴۱۹، صص ۳۲۸)، کتاب‌های ابن طاووس (ر.ک: ۱۴۰۶، صص ۴۹؛ ۱۳۶۸، صص ۲۳۰؛ ۱۳۳۰، صص ۲۰۱؛ ۱۴۱۱، صص ۳۱۶)، نزهة الناظر (حلوانی، ۱۴۰۸، صص ۶۳)، کشف الغمة (ر.ک: اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، صص ۱۸۹) و ارشاد القلوب (ر.ک: دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۲، صص ۴۱۸) نمونه‌هایی از این آثار هستند.

۳-۱-۸- جمع بندی

به نظر می‌رسد، از مجموع هفت دلیل ارائه شده بر وثاقت مطلق بطنانی، هیچ کدام نمی‌تواند این مدعا را به تنهایی تایید کند. اجماع منقول از شیخ، توثیق عملی اصحاب و محدثان و نقل روایت از وی در کتب اربعه و دیگر منابع روایی ممکن است به نقل روایت در دوران امام کاظم(ع) و نقل از کتاب بطنانی و ابابصیر اختصاص داشته باشد که مدعی قول دوم خواهد بود. همچنین، سکوت رجالیان دلیلی بر توثیق نیست؛ چنانکه مراجعه کلام این دانشمندان گویای مذمت بطنانی است. روایت‌های مدح و تفسیر قمی نیز بر فرض قبول از این قاعده مستثنی نیستند.

۳-۲- توثیق مقید

یکی از شرایط راوی، وثاقت در زمان نقل است. محدثان بر این موضوع تأکید داشته و از مراده با راویان ضعیف جلوگیری می‌کردند. به علاوه، اگر یک راوی در زمانی ثقه و در زمان دیگری مطرود بود، هنگام نقل روایت به آن توجه می‌دادند: «حدّثنی ابو الخطاب فی أحسن ما یکون حالاً» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۳۰۴، ح ۴۷۱)، «کان ابو الخطاب قبل ان یفسد» (همان، ج ۵، ص ۱۵۰، ح ۱۳)، «عن طاهر بن حاتم فی حال استقامته» (همان، ج ۱، ص ۸۶، ح ۲)، «احمد بن هلال فی حال استقامته» (صدوق، ۱۳۹۵، ص ۲۰۴، ح ۱۳).

این تعبیر نشان می‌دهد، سیره محدثان اجتناب از روایت‌های راویان ضعیف بوده است. در نتیجه، نقل روایت مشایخ از بطنانی مربوط به قبل از وقف است. محقق حلی (ر.ک: ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۹۴) و شیخ بهانی (ر.ک: ۱۴۱۴، ص ۵۸/ همچنین ر.ک: طریحی، بی‌تا، ص ۲۰) از مدافعان این نظریه هستند. مهم‌ترین دلیل این نظر، استعمال اصطلاح «کلاب ممتورة» در حق واقفه است.

منع امام رضا(ع) از مجالست با واقفه و نفرین آن‌ها، فضایی را ایجاد کرد که اصحاب امام(ع) هیچ‌گونه مرادهای تا مدت‌ها با واقفه نداشتند و به این افراد «کلاب ممتورة» اطلاق می‌کردند. پس با توجه به این جدایی و با توجه به کثرت روایت صاحبان کتاب‌ها از بطنانی، معلوم می‌شود که این اصحاب قبل از وقف، نقل روایت داشته‌اند.

بطنانی در دوران امام کاظم(ع) وکیل ایشان(ع) بود و امام رفع حوائج بعضی از اصحاب را بر عهده بطنانی قرار دادند. پر روایت‌ترین راویان از بطنانی، از لحاظ طبقه در زمان امام کاظم(ع) شاگردی بطنانی را کرده‌اند و در دوران امام رضا(ع) محل مراجعه بودند. نتیجه آنکه نقل روایت از بطنانی مربوط به دوران استقامت و سلامت اوست و در دوران لغزش و انحراف از وی نقل روایت نشده است (ر.ک: شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۲۰، ص ۶۳۶۲).

دو مشکل اینجا وجود دارد:

نخست، آن دسته از شاگردان صحیح‌المذهب بطنانی که در دوران امام کاظم(ع) به لحاظ طبقه نمی‌توانستند از بطنانی نقل روایت کنند.

دوم، راویانی که در ابتدای امامت امام رضا(ع) مردد بودند و سپس، به راه حق بازگشتند و یا راویانی که

ثقه هستند، ولی تا پایان عمر بر وقف باقی ماندند و در طبقه بعد، راویان امامی صحیح المذهب از آن‌ها نقل روایت کرده‌اند.

این دو اشکال موجب شده حاجی نوری قول اول را بپذیرد و تصریح کند، نقل این راویان به معنای اعتماد اصحاب به روایت‌های بطائنی در دوران وقف است.

اما راویان جوان (مشکل نخست) روایت‌های قابل توجهی از بطائنی نقل نکرده‌اند. مثلاً حسین بن سعید (شاهد حاجی نوری) فقط پنج روایت از بطائنی دارد. همچنین، موسی بن قاسم و یا اسماعیل بن مهران هر کدام فقط دو روایت از بطائنی دارند. آیت‌الله زنجانی معتقدند: اینکه برخی از این راویان زمان استقامت بطائنی را درک نکرده باشند، نیز شبهه است (زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۲۰، ص ۶۳۶۲). در کنار این آمار اندک، می‌توان آمار کثرت روایت «علی بن حکم» ۱۳۸ سند، «بزنی» ۴۷ سند، «ابن محبوب» ۳۹ سند، «ابن ابی عمیر» ۲۵ سند و «یونس بن عبدالرحمن» ۲۰ سند را مورد توجه قرار داد.

راویان مردد، مانند بزنی و دیگران نیز معلوم نیست در دوران تردید، از بطائنی روایتی شنیده و ثبت کرده باشند و سپس، بدون بررسی و تحلیل به میراث حدیثی شیعه راه یافته باشد.

حاجی نوری در تقیید توثیق، راه حل دیگری نیز مطرح می‌کند. ایشان تقیید به قبل و بعد از انحراف را قبول ندارد و مدعی است که اصحاب در برخورد با راویان منحرف مطالب حق را گرفته و مطالب اعتقادی فاسد را رها می‌کردند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۶۹) همانند آنچه در حق بنو فضال نقل شده است: «حَدُّوا بِمَا رَوَوْا وَ دَرُّوا مَا رَأَوْا» (طوسی، ۱۴۰۹، ص ۳۹۰).

به نظر می‌رسد، با توجه به اینکه نقل بعضی مشایخ در دوران امام رضا(ع) از بطائنی به صورت کامل قابل نفی نیست و با توجه به محل اجماع که شیخ ناقل آن است، توجیه حاجی نوری صحیح باشد؛ هرچند ایشان دلیل متقنی بر این موضوع ارائه نکرده‌اند و اقامه آن مشکل است.

۴- تضعیف

در مقابل پذیرش مطلق و یا مقید، گروهی از دانشیان با استناد به دلایل و قرآنی تضعیف بطائنی را متقن شمرده‌اند. صاحب مدارک (موسوی عاملی، ۱۴۱۱الف، ج ۱، ص ۸۲) و علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۱۷، ص ۲۳۱، ش ۱) از این دسته هستند. دلایل زیر به عنوان قرینه‌های تضعیف مطرح شده است:

۴-۱- انحراف از حق و ایجاد گروه واقفه

بطائنی یکی از ارکان و استوانه‌های وقف است. کشی (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۰۵، ح ۷۵۹)، ابن‌غضائری (ر.ک: ابن‌غضائری، ۱۴۲۲، ص ۸۳، ش ۱۰۷)، نجاشی (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۴۹، ش ۶۵۶) و طوسی (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹، ص ۶۳) به این موضوع تصریح کرده‌اند. فردی که اموال امامت را به تاراج ببرد و فرقه ضاله در مقابل امام بنیان‌گذاری کند، نمی‌تواند ثقه باشد و روایت‌های او پذیرفته شود. به نظر می‌رسد، این دلیل به تنهایی اثبات ضعف نمی‌کند و فساد مذهب مادامی که دلیلی بر دروغ‌گویی نباشد، منافات با وثاقت راوی ندارد. بطائنی هرچند یکی از پایه‌گذاران وقف است، اما این امر به معنای دروغ‌گویی مطلق او نیست. طوسی تصریح کرده است که اصحاب به اخبار بطائنی واقفی عمل

کرده‌اند (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۰). همچنین، بر فرض قبول تضعیف بطائنی در دوران وقف، نمی‌توان این تضعیف را به روایت‌هایی که در دوران امامت امام کاظم (ع) نقل کرده است، سرایت داد.

۴-۲- تصریح به کذاب بودن بطائنی

کشی در یادکرد از بطائنی به نقل از ابن فضال یادآور می‌شود که او دروغ‌گو، متهم و ملعون است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۰۳، ش ۷۵۵). همچنین، او در نقل دیگری می‌نویسد: «ابن ابی حمزه دروغ‌گو و ملعون است. من از وی روایات زیادی را اخذ کردم و یک دوره تفسیر قرآن از ابتدا تا پایان به املائی او نوشتم؛ اما اکنون جایز نمی‌دانم که حتی یک حدیث از او روایت کنم» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۰۴، ش ۷۵۶).

ظاهراً بر اساس شواهد ذیل، این تصریح به کذاب و ملعون بودن مربوط به بطائنی نیست و در این دو عبارت، اشتباهی صورت گرفته است.

نخست، نجاشی این اتهام را به نقل از ابن فضال در مدخل حسن، فرزند بطائنی نقل کرده است (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۶، ش ۷۳)؛ ولی در مدخل علی به این نکته، حتی به صورت «قیل» نیز اشاره نمی‌کند، چنان که کشی خود نیز در جای دیگر کتاب، همین عبارت را در حق حسن به کار می‌برد (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱، ص ۵۵۲، ش ۱۰۴۴). شهید ثانی (ر.ک: ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۰۷۹، ش ۳۷۰) و صاحب معالم (ر.ک: عاملی، ۱۴۰۸، ص ۳۵۴، ش ۲۴۵) نیز سخن ابن فضال را تنها در حق حسن وارد دانسته و معتقدند که عنوان «حسن بن علی» قبل از ابن ابی حمزه، در رجال کشی افتاده است.

دوم، ابن فضال در این روایت «علی بن الحسن بن فضال» است (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۶، ش ۷۳) که به لحاظ طبقه نمی‌تواند بدون واسطه از بطائنی نقل کند. علی بن حسن بن فضال در زمان مرگ پدرش - حسن بن فضال - به سال ۲۲۴ ق (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۶) هجده سال داشته است (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۵۸، ش ۶۷۶) و از متولدین سال ۲۰۶ ق محسوب می‌شود که با توجه به تاریخ حدودی وفات بطائنی سه سال پس از وی به دنیا آمده است. حسن بن علی بن ابی حمزه نیز واقفی بوده و بنا به تصریح ابن غضائری، در مذهب وقف از بطائنی پدر متعصب‌تر بود (ابن غضائری، ۱۴۲۲، ص ۵۱، ش ۳۳).

۴-۳- جعل حدیث

امام رضا (ع) در یک روایت، در مذمت واقفه اشاره به جعل حدیث توسط بطائنی و دروغ‌گوبودن او دارند. بنابر نقل طوسی در «الغیبة»، امام رضا (ع) در مذمت بطائنی می‌فرماید: «آیا او کسی نبود که روایت می‌کرد... و می‌گفت: ابو ابراهیم پس از ۱۸ ماه باز می‌گردد، آیا برای آنان دروغش معلوم نشد» (طوسی، ۱۴۰۹، ص ۶۹). در این روایت امام (ع) صریح می‌فرماید: بطائنی روایت کذبی نقل کرده و در تطبیق آن مشکل دارد.

در روایت دیگری محمد بن فضیل در مورد واقفه از امام (ع) سؤال می‌کند، امام می‌فرماید: «خداوند آن‌ها را لعنت کند تا کجا دروغ‌پراکنی می‌کنند. آن‌ها می‌گویند: من عقیم هستم و منکر فرزندم که جانشین

من است، می‌شوند» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۵۸، ش ۸۶۸).

به نظر می‌رسد، اتهام مطرح در روایت اول اشاره به مذهب فاسد بطائنی دارد که پس از شهادت امام کاظم(ع) اتفاق افتاد و با وثاقت مقید بطائنی تنافی ندارد. همچنین، مضمون این روایت، کذب اعتقادات واقفه است که نوع دیگر تقیید وثاقت بطائنی بود و هیچ کدام از این دو موجب رد مطلق روایت‌های بطائنی نمی‌شود.

روایت دوم نیز می‌گوید: واقفه بر علیه امام رضا(ع) فعالیت داشته‌اند که یک حوزه کلامی است و به نقل دیگر آموزه‌های آنان ارتباطی ندارد. همچنین، در این روایت اشاره‌ای به بطائنی نشده و شامل همه واقفه می‌شود؛ برخی از آن‌ها در تخریب امام رضا(ع) به هر وسیله‌ای متوسل می‌شدند؛ برخلاف بطائنی که دلیل اصلی انحراف وی کج‌فهمی از روایت‌های صحیح و اصرار بر این فهم اشتباه بود.

۴-۴- روایات قدح و ذم بطائنی

روایات ذم و نکوهش بطائنی گونه‌های متفاوتی دارد.

الف) خیانت در اموال: یونس، خیانت بطائنی در اموال امامت را گزارش کرده است (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۹۳، ش ۹۴۶ و ص ۴۰۵، ش ۷۵۹؛ ۱۴۰۹، ص ۶۴/ صدوق، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۱).

ب) اعتقادات کفرآمیز: در روایت‌هایی، واقفیان به عنوان زندیق و معاند حق معرفی شده و از مرگ آنان به مرگ زنداقه تعبیر شده است. یونس بن یعقوب می‌گوید: به امام رضا(ع) عرض کردم: به کسانی که عقیده دارند پدرتان زنده است، می‌توان زکات داد؟ امام(ع) فرمودند: به آن‌ها زکات ندهید. همانا اینان کافر، مشرک و زندیق هستند (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۵۶، ش ۸۶۲ و ص ۴۵۵، ش ۸۶۰).

ج) نهی از تعامل با واقفه: امام رضا(ع) از هرگونه مجالست و تعامل با واقفه نهی فرمودند (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۵۵، ش ۸۶۴). بنابراین، نمی‌توان به احادیثشان اعتماد کرد. چنانکه تشبیه به «کلاب مطوره» (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۶۰، ش ۸۷۵ و ص ۴۶۱، ش ۸۷۷ و ۸۷۸) نشان دهنده لزوم شدت اجتناب از آنهاست.

به نظر می‌رسد، افزون بر اشکال سندی و دلالتی که بعضی از روایات هر دسته دارند، اینها مربوط به دوران امامت امام رضا(ع) است و ارتباطی با قبل آن - دوران وثاقت و وکالت بطائنی - ندارد. همچنین، ذم و قدح مطرح در این روایت‌ها به دلیل انحراف عقیدتی واقفه است و ارتباطی با دیگر روایات آنها ندارد.

۴-۵- جمع‌بندی پیرامون توثیق یا تضعیف بطائنی

بی‌تردید فرقه واقفه از تأثیرگذارترین فرقه‌های انحرافی به شمار می‌آید که مدت‌ها افکار عمومی را پریشان و متحیر کرد. امام رضا(ع) با انتقادات صریح و ادبیاتی تند از واقفیان یاد کردند. در عین حال، معنای این انتقادات، نادیده‌گرفتن پیشینه مثبت این راویان قبل از وقف نیست و آثار آنان طرد نمی‌شود. از مجموع دلایل اقامه‌شده بر تضعیف مطلق بطائنی، هیچ کدام نمی‌تواند وثاقت ثابت در دوران قبل از وقف را خدشه‌دار کند و تنها توانایی آن، رد وثاقت مطلق بطائنی است. همچنین، اثبات وثاقت مطلق بطائنی دشوار است. جمع میان ادله آنکه آموزه‌های روایی بطائنی مادامی که معارضی نداشته باشد، قابل

استناد است.

۵- تعامل فقیهان با روایت‌های بطائنی

هدف از بررسی وثاقت و یا تضعیف یک راوی، ارزش‌گذاری روایت‌های اوست. ازاین‌رو، مواجهه فقیهان با روایت‌های یک راوی می‌تواند نشان‌دهنده جایگاه آن باشد. دو دیدگاه فقهی نسبت به روایت‌های بطائنی هست. نخست، روایت‌های بطائنی معتبر است. دوم، روایت‌های بطائنی ضعیف و غیرمعتبر است.

۵-۱- موافقان اعتبار روایت‌ها

موافقان اعتبار روایت‌های بطائنی دو دسته هستند؛ نخست، فقهایی که در کتاب‌های فقهی به روایت‌های بطائنی استناد کرده‌اند، بدون آنکه به ضعف او اشاره کنند. دوم، فقهایی که با بیان مبنا روایت‌های بطائنی را پذیرفته‌اند.

نخست، مؤلفان کتب اربعه، فاضل آبی (م. ۶۷۲ ق) (ر.ک: ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۵، ص ۸۰)، محقق حلی (م. ۶۷۶ ق) (۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۶۸)، علامه حلی (م. ۷۲۶ ق) (ر.ک: ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۴۰، ج ۷، ص ۱۶۴؛ ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۰۶ و ۵۰۳)، فخرالمحققین (م. ۷۷۱ ق) (ر.ک: ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۵۴)، شهید اول (م. ۷۸۶ ق) (ر.ک: ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۸۵؛ ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۹۶)، ابن‌فهد حلی (م. ۸۴۱ ق) (ر.ک: ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰۱ و ۱۸۴)، صیمری (م. حدود ۹۰۰ ق) (ر.ک: ۱۴۲۰، ج ۳، صص ۱۲۲ و ۱۷۳)، محقق کرکی (م. ۹۴۰ ق) (ر.ک: ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۴۱ و ج ۵، ص ۴۱۰) شهید ثانی (م. ۹۶۶ ق) (ر.ک: بی‌تا الف، ج ۱، ص ۲۶۰)، فرزند شهید (م. ۱۰۱۱ ق) (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۰۸ و ج ۲، ص ۶۳۹)، فاضل هندی (م. ۱۱۳۷ ق) (ر.ک: ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۴۴۲ و ج ۵، ص ۴۸۸)، حسینی عاملی (م. ۱۲۲۶ ق) (ر.ک: ۱۴۱۹، ج ۱۷، ص ۲۹)، میرزای قمی (م. ۱۲۳۲ ق) (ر.ک: ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۰۹ و ج ۳، ص ۲۷۶؛ ۱۴۲۰، ص ۳۶۸ و ۵۹۹)، نراقی (م. ۱۲۴۵ ق) (ر.ک: ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۲۷ و ج ۴، ص ۳۰۵؛ ۱۴۱۷، ص ۵۲۳ و ۶۰۲)، همدانی، آقارضا (م. ۱۳۲۲ ق) (ر.ک: ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۰۳ و ج ۴، ص ۱۸۶)، بروجردی (م. ۱۳۸۰ ق) (ر.ک: بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۸، ۳۶۵ و ۴۷۴؛ ۱۴۱۳، ص ۴۵)، محقق داماد (م. ۱۳۸۸ ق) (ر.ک: ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۷۹ و ۴۰۸) و...

دوم، طوسی در «العدة»، محقق حلی (م. ۶۷۶ ق) (ر.ک: ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۸ و ج ۲، ص ۲۴)، شهید ثانی (م. ۹۶۶ ق) (ر.ک: بی‌تا ب، ج ۱، ص ۴۰۱)، محقق اردبیلی (م. ۹۹۳ ق) (ر.ک: ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۳۳۸ و ج ۱۰، ص ۴۴۵)، علوی عاملی (م. حدود ۱۰۶۰ ق) (ر.ک: بی‌تا، ص ۵۸ و ۶۱)، محمدتقی مجلسی (م. ۱۰۷۰ ق) (ر.ک: ۱۴۰۶، ج ۴، صص ۳۰۲ و ۴۳۷)، محدث بحرانی (م. ۱۱۸۶ ق) (ر.ک: ۱۴۰۵، ج ۱۰، ص ۳۹۲)، وحید بهبهانی (م. ۱۲۰۶ ق) (ر.ک: ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۳۸۰ و ج ۵، ص ۴۶۶)، نجفی (م. ۱۲۶۶ ق) (ر.ک: ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۳۷)، شیخ انصاری (م. ۱۲۸۱ ق) (ر.ک: ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۳۱)، محقق داماد (م. ۱۳۸۸ ق) (ر.ک: ۱۴۱۶، ج ۲، صص ۲۷۰ و ۲۹۵)، حکیم (م. ۱۳۹۰ ق) (ر.ک: ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۱۴۶)، امام خمینی (م. ۱۴۰۹ ق) (ر.ک: ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۳۱؛ ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۸۰) و...

مهم‌ترین تعلیل در پذیرش روایت‌های بطائنی، استناد به کلام «العدة» - مبنی بر وجود اجماع طایفه بر عمل به روایت‌های واقفی‌ها، مادامی که معارضی نداشته باشد - است. همچنین، تعلیل‌هایی مانند اخذ روایت از وی در زمان وثاقت او بوده، انحراف در مذهب دلیل بر ضعف حدیث نیست، عمل اصحاب جبران ضعف طریق می‌کند و... مطرح شده است.

۲-۵- منکران اعتبار روایت‌ها

منکران اعتبار روایت‌های بطائنی نیز دو گروه هستند. نخست، فقهای که فقط به ضعف روایت‌ها اشاره دارند. دوم، فقهای که دلیل ضعف را بیان می‌کنند.

نخست: محقق حلی (م. ۶۷۶ ق) (ر.ک: ۱۴۱۳، ص ۲۴۳؛ ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۶ و ۳۶۳)، علامه حلی (م. ۷۲۶ ق) (ر.ک: ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۲۳)، نجم‌الدین حلی (م. قرن ۸ ق) (ر.ک: ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۶۷ و ج ۲، ص ۱۷)، شهید ثانی (م. ۹۶۶ ق) (ر.ک: بی‌تا، ج ۶، ص ۲۱۲ و ج ۸، صص ۶۰ و ۱۷۵)، مقدس اردبیلی (م. ۹۹۳ ق) (ر.ک: ۱۴۰۳، ج ۵، صص ۲۲۶ و ۲۶۲ و ج ۶، ص ۱۰۲) و...
گروه دوم: علامه حلی (م. ۷۲۶ ق) (ر.ک: ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۳)، سیوری (م. ۸۲۶ ق) (ر.ک: ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۶۲ و ج ۳، ص ۱۶۶)، جمال‌الدین حلی (م. ۸۴۱ ق) (ر.ک: ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۹۰)، محقق ثانی (م. ۹۴۰ ق) (ر.ک: ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۳۴۳)، موسوی عاملی (م. ۱۰۰۹ ق) (ر.ک: ۱۴۱۱ الف، ج ۱، صص ۸۲ و ۱۳۲ و ج ۳، ص ۲۵۹؛ ۱۴۱۱ اب، ج ۱، ص ۳۲۴)، ابوجعفر عاملی (م. ۱۰۳۰ ق) (ر.ک: ۱۴۱۹، ج ۱، صص ۵۰ و ۲۶۷ و ج ۵، ص ۳۷)، علوی عاملی (م. حدود ۱۰۶۰ ق) (ر.ک: بی‌تا، صص ۱ و ۴۰۲ و ۵۱۸ و...)، محقق سبزواری (م. ۱۰۹۰ ق) (ر.ک: ۱۲۴۷، ج ۱، ص ۶۴ و ۱۳۳/ج ۲، ص ۲۲۶)، امام خمینی (م. ۱۴۰۹ ق) (ر.ک: ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۳۳۷)، خوبی (م. ۱۴۱۳ ق) (ر.ک: ۱۴۱۸، ج ۱۱، ص ۲۵۷ و ج ۱۸، ص ۳۲۱) و...

مهم‌ترین دلیل منکران، واقفی بودن بطائنی و مذمت‌های اوست. همچنین، به وجود روایت معارض، معرض‌عنه بودن، عمل نشدن به منفردات بطائنی و... اشاره شده است.

آیت‌الله خوبی در ابتدا روایت‌های بطائنی را مانند نظر مشهور، پذیرفته‌اند؛ چنانکه از ابتدا تا جلد ۱۰ از کتاب «موسوعة الامام خوبی» به روایت‌های بطائنی استناد شده است. از مجلد ۱۱ به بعد، ایشان روایت‌های بطائنی را با بیان‌های متعدد رد کرده‌اند و بطائنی را ضعیف معرفی می‌کنند. رویکرد ایشان با فقهای مانند علامه حلی، سیوری، محقق ثانی، شهید ثانی، امام خمینی متفاوت است. ایشان با تغییر مبانی رجالی، نگاهشان به بطائنی تغییر می‌کند (چینش کتاب در موسوعة فقط بر اساس موضوع نیست و سیر مباحث از مقررها به نحوی انتخاب شده است که سیر زمان، در بیان آیت‌الله خوبی رعایت شود)؛ برخلاف دیگر فقها که با توجه به تغییر مورد حکم و وجود قرآن دیگر، بحث از تضعیف بطائنی را مطرح کرده‌اند.

۳-۵- تحلیل اقوال فقها

مرور ارجاعات معلوم می‌کند، برخی فقیهان در هر دو گروه مشترک هستند. بررسی موارد قبول یا رد

روایت بطائنی نزد این فقها، نشان از یک مبنا می‌دهد. تحلیل مجموع اقوال فقها تبیین‌کننده نکات زیر است:

نخست، در اکثر موارد روایت‌های دیگری نیز وجود دارد و تنها مستند حکم، روایت‌های بطائنی نیست، مثلاً بررسی ۴۰ مورد از استناد صاحب جواهر به روایت‌های بطائنی نشان می‌دهد که در ۳۷ مورد، روایت‌هایی هم‌مضمون و یا مشابه توسط صاحب جواهر نقل شده است. علامه حلی تصریح می‌کند: روایت بطائنی ضعیف هنگام سازگاری با مذهب قابل قبول است (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۵۷).

دوم، در مواردی - هرچند اندک - روایت‌های بطائنی با روایت‌های صحیح تعارض دارد، در این موارد فقها - چنانکه طوسی مدعی است - روایت بطائنی را کنار گذاشته‌اند و دلیل تکرار نام بعضی از فقها در هر دو گروه، توجه به این نکته است (به عنوان نمونه ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۶۴ و ج ۱۹، ص ۳۹۵ و ر.ک: ج ۱، ص ۲۴۹).

سوم، روایت زیر، تنها مستند روایی در یک موضوع فقهی است: «عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ بَوْلِ الصَّبِيِّ الْفَطِيمِ يَقَعُ فِي الْبَيْتِ فَقَالَ دَلُّوَ وَاحِدٌ قُلْتُ بَوْلُ الرَّجُلِ قَالَ يُنَزَّحُ مِنْهَا أَوْ بَعُونَ دَلْوًا» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۴۳، ح ۷۰۰).

این روایت به دلیل نداشتن معارض، مستند فتواست. فقیهانی که در ذیل این روایت به ضعف بطائنی اشاره کرده‌اند، کلام شیخ و ادعای اجماع محقق بر عمل به این روایت را دلیل پذیرش آن دانسته‌اند (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۳۷ / شهید ثانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰۱ / شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۳۰). نتیجه آنکه مشهور فقها، روایت‌های بطائنی را مادامی که معارض نداشته باشد و یا معرض عنه نباشد، پذیرفته‌اند و فقط برخی - مانند آیت‌الله خویی - که بر الفاظ رجالی تکیه دارند، روایت‌های بطائنی را ضعیف می‌دانند.

۶- طریق‌ها

بطائنی صاحب کتاب معرفی شده و بیشترین نقل روایت از بطائنی مربوط به دوران امام کاظم (ع) است. در ادامه طرق کتب اربعه به بطائنی ترسیم شده است.^۱

۶-۱- طرق کلینی به روایت‌های بطائنی

ثقة الاسلام کلینی ۲۸۹ سند را به واسطه ۴۸ طریق از بطائنی نقل می‌کند.^۲ از این میان دو طریق ۱۴۹ سند می‌شوند.

^۱ راویانی که در فهرست نجاشی و شیخ، مشیخه طوسی و صدوق، طریق به کتاب داشته‌اند، با علامت ◀ نشان‌گذاری شدند. وجود این علامت در جلوی نام راوی، به معنای قرارگرفتن در طریق به کتاب راوی بعدی است. همچنین، راویانی که در فهرست، صاحب کتاب معرفی شده‌اند، بدون رنگ هستند و راویانی که اثری از آنان در فهرس نیست، رنگ تیره‌تری دارند.

^۲ این آمار از نرم‌افزار درایة‌النور استخراج شده است و شامل تمامی اسناد اعم از تعلیق، تحویل و... می‌شود. همچنین، مشخصات کتاب‌شناسی راویان بر اساس اطلاعات فهرست شیخ و نجاشی است.

نخستین طریق پرکاربرد کلینی با یک واسطه، «احمد بن محمد بن عیسی عن علی بن الحکم» است. «علی بن الحکم» بسیاری از اصحاب امام صادق (ع) را درک کرده است (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱، ص ۵۷۰، ح ۱۰۷۹). ویژگی وی - با عنایت به مشایخ و شاگردان - عمر طولانی است. وی در کتاب‌های فهرست صاحب اثر معرفی شده است و در فهرست، یکی از طرق طوسی به «علی بن الحکم» به واسطه «محمد بن یحیی العطار عن احمد بن محمد بن عیسی» است. در کتاب «الکافی» - نمودار نخست - «علی بن الحکم» در ۸۰ سند که به بطائنی منتهی می‌شود، قرار دارد. از این تعداد ۷۷ روایت را «احمد بن محمد بن عیسی» نقل کرده و در طبقه بعد، «محمد بن یحیی العطار» ۷۲ مورد آن را نقل می‌کند. با توجه به این آمار، ظاهراً طریق کلینی به بطائنی کتاب «علی بن الحکم» است که شیخ در فهرست به آن اشاره می‌کند.

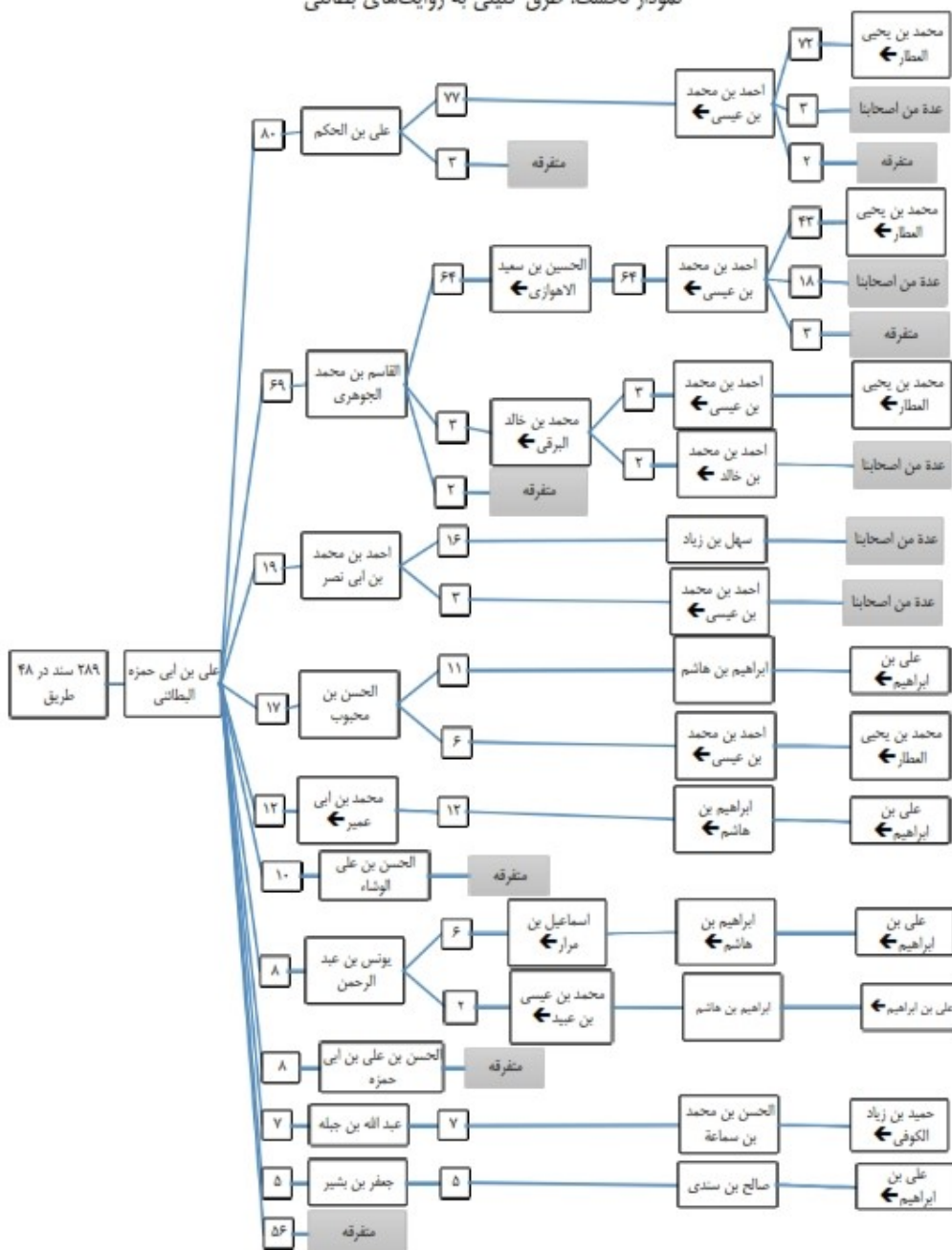
طریق دوم کلینی به بطائنی نیز به واسطه «احمد بن محمد بن عیسی عن الحسن بن سعید عن القاسم بن محمد الجوهری» است؛ طریق اشعری از «حسین بن سعید» در فهرست نجاشی و طوسی به کتاب جوهری نقل شده است. نزدیک به ۶۳ درصد روایت‌های جوهری در کتاب «الکافی» از بطائنی است. جوهری در ۶۹ سند این کتاب که به بطائنی می‌رسد، قرار دارد. ۶۴ سند را «احمد بن محمد بن عیسی عن الحسن بن سعید الاهوازی» نقل کرده و چنان‌که در تصویر نخست دیده می‌شود، کلینی اکثر این روایت‌ها را از «محمد بن یحیی العطار» نقل کرده است. با توجه به طریق بودن «اشعری از حسین بن سعید» به کتاب‌های جوهری در دو فهرست شیخ و نجاشی، ظاهراً روایت‌های بطائنی پس از انتقال به کتاب جوهری از این طریق به «الکافی» راه یافته‌اند.

نمودار نخست، طریق راویانی که بیش از پنج روایت از بطائنی در کتاب «الکافی» دارند، نشان می‌دهد. با توجه به این نمودار، تمامی روایت‌های راه‌یافته از بطائنی به این کتاب از طریق صاحبان کتب است. همچنین، بسیاری از این راویان در کتاب‌های فهرست در طریق به کتاب‌های استاد خود قرار گرفته‌اند.

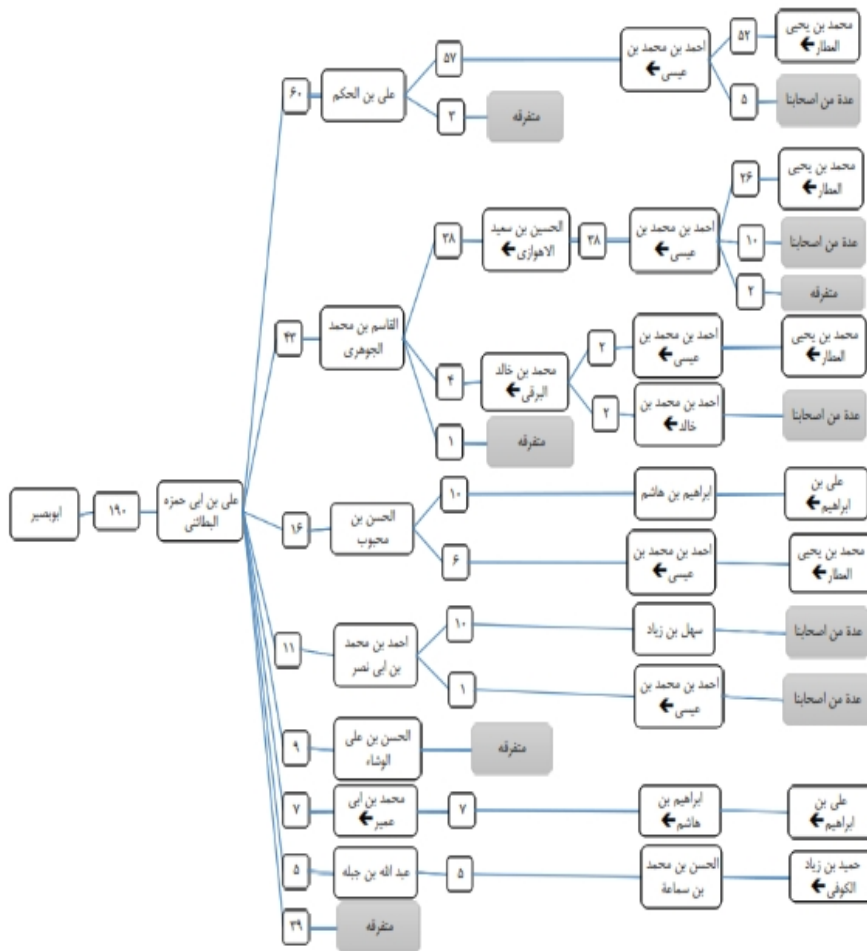
از میان مشایخ بی‌واسطه بطائنی، فقط «ابن ابی عمیر» در فهرست شیخ و نجاشی در طریق به بطائنی قرار دارد که در کنار کمی روایت‌های کلینی به واسطه او از بطائنی، طریق «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن البطائنی» در کتاب‌های فهرست نیامده است؛ هرچند طریق «علی بن ابراهیم عن ابیه» به کتاب‌های «ابن ابی عمیر» وجود دارد.

نمودار دوم، همین شبکه اسناد در روایت‌های بطائنی از ابوبصیر را نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار، نزدیک به ۶۵ درصد روایت‌های بطائنی از ابوبصیر است، همچنان‌که در فهرست نجاشی به ریشه روایت‌های بطائنی از کتاب ابوبصیر اشاره شده است. این نسبت در دو راوی عمده بطائنی نیز هست. به همین نسبت، نزدیک به دوسوم روایت‌های علی بن حکم از بطائنی از ابوبصیر و حدود دوسوم روایت‌های جوهری از بطائنی از ابوبصیر است و روایان کم روایت این نسبت را ندارند. ظاهراً با توجه به اینکه در کتاب‌های فهرست، بطائنی در طریق به ابوبصیر قرار ندارد و اینکه بطائنی عصاکش ابوبصیر بوده است، روایت‌های ابوبصیر پس از راه‌یابی به کتاب بطائنی، توسط این راویان نقل شده است، نه اینکه این راویان، کتاب ابوبصیر را به واسطه بطائنی فراگرفته باشند.

نمودار نخست: طرق کلینی به روایت‌های بطائنی



نمودار دوم: طرق کلینی به روایت‌های ابوبصیر به‌واسطه بطائنی



۶-۲- طرق شیخ صدوق به روایت‌های بطائنی

شیخ صدوق در الفقیه ۶۳ سند در ۱۲ طریق به روایت‌های بطائنی دارد. از این میان، ۲۸ سند مستقیم با نام بطائنی آغاز می‌شود و مبتنی بر طریق صدوق در مشیخه است. ۱۸ سند با «القاسم بن محمد الجوهری» آغاز می‌شود. ۱۷ روایت نیز به واسطه ۱۰ طریق دیگر نقل شده است. طریق شیخ صدوق در مشیخه به بطائنی: «و ما كان فيه عن علي بن أبي حمزة فقد رويته عن محمد بن علي ماجيلويه - رضي الله عنه - عن محمد بن يحيى العطار، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي، عن علي بن أبي حمزة» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۸۸). متأسفانه شیخ صدوق طریق به روایت‌های جوهری را در مشیخه نمی‌گوید.

نمودار سوم، راویان و طرق به روایت‌های بطائنی است و نمودار چهارم، همین طریق‌ها در روایت‌هایی را که بطائنی از ابوبصیر دارد، نشان می‌دهد. در اینجا نیز حدود نیمی از روایت‌های بطائنی - ۵۲ درصد - از ابوبصیر است. راویان در طریق شیخ صدوق به بطائنی نیز همگی صاحب کتاب هستند و دو نفر از آن‌ها بنا بر «مشیخه» و یک نفر بنا بر «فهرست» در طریق به کتاب‌های بطائنی قرار دارند.

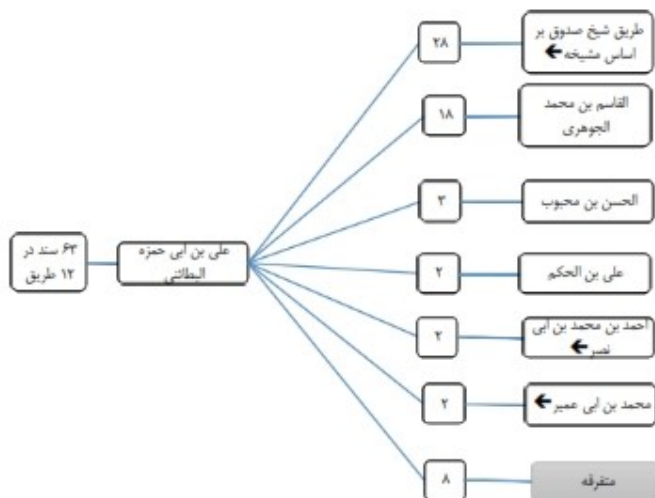
نمودار پنجم، اسناد شیخ صدوق در دیگر کتاب‌هایش به استثنا «الفقیه» است. بر اساس این آمار از مجموع ۱۵۵ سندی که بطائنی در این کتاب‌ها دارد، ۵۵ سند به واسطه یکی از مشایخ صدوق از «محمد بن جعفر الاسدی الکوفی عن موسی بن عمران النخعی عن الحسين بن یزید النوفلی» است. ۳۳ سند به «الحسن بن علی بن ابی حمزه» منتهی می‌شود. ۶۸ روایت از این مجموعه، به واسطه «محمد بن جعفر الاسدی الکوفی» به چهار طریق نقل شده است که اثری از آن در اسناد کلینی نیست.

مهم در این تصویر، پراکندگی طریق‌های صدوق به بطائنی است. بر اساس این آمار، ۷۰ سند شیخ صدوق به روایت‌های بطائنی، با ۴۳ طریق متفاوت از ۲۱ روای متصل به بطائنی نقل شده است که این شبکه متفاوت و پراکنده، اثبات نقل از کتاب را سخت می‌کند.

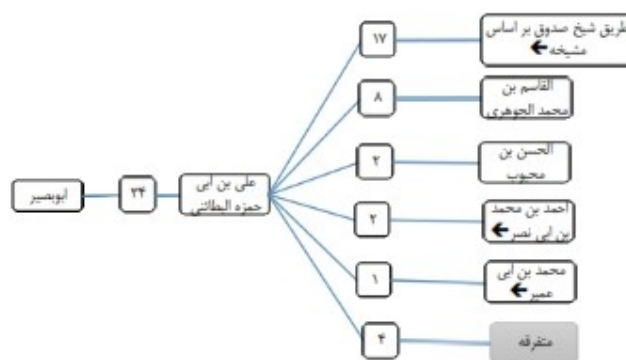
در مجموع، هیچ کدام از طریق‌های شیخ صدوق به بطائنی در غیر «الفقیه» از نظر فهرستی شناخته شده نیست.

از این مجموعه، ۹۲ روایت - نزدیک به ۶۰ درصد - به ابوبصیر منتهی می‌شود و ۷ روایت به واسطه علی بن سالم، پدر بطائنی به ابوبصیر می‌رسد که این طریق در کتب اربعه وجود ندارد و از مختصات اسناد شیخ صدوق است.

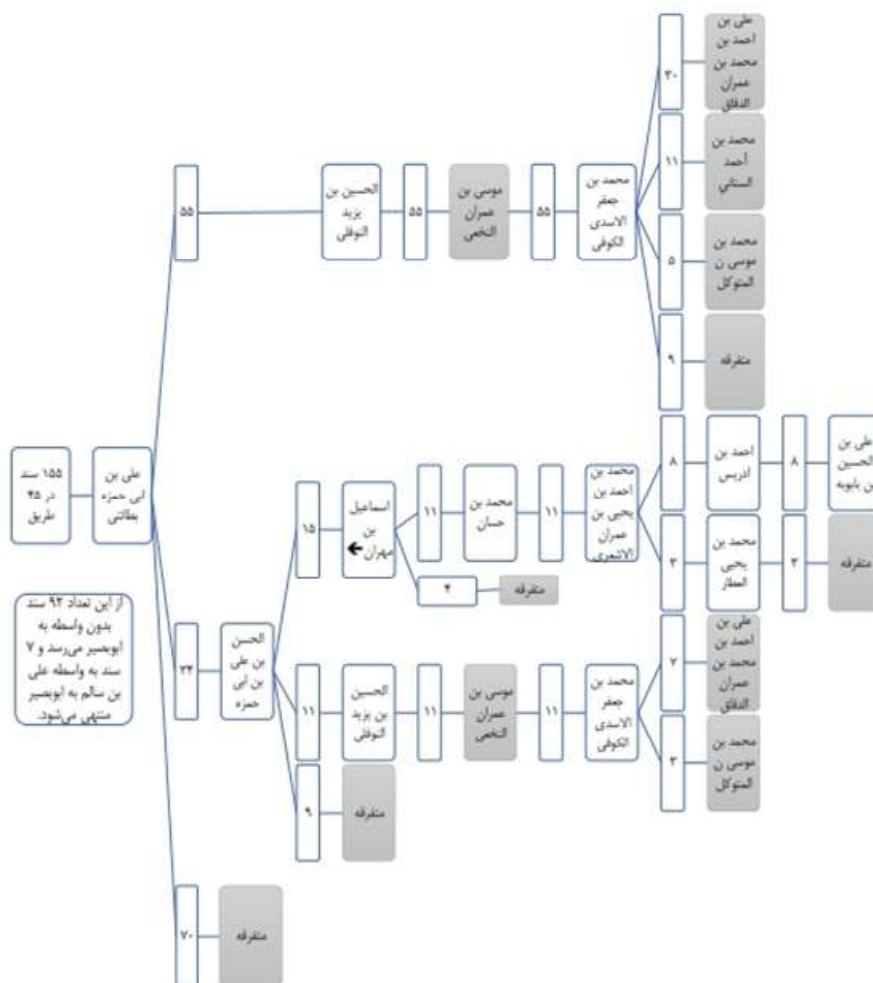
نمودار سوم: طرق شیخ صدوق به روایت‌های بطائنی در الفقیه



نمودار چهارم: طرق شیخ صدوق به روایت‌های ابوبصیر به واسطه بطائنی در الفقیه



نمودار پنجم: طرق دیگر کتاب‌ها شیخ صدوق به روایت‌های بطائنی



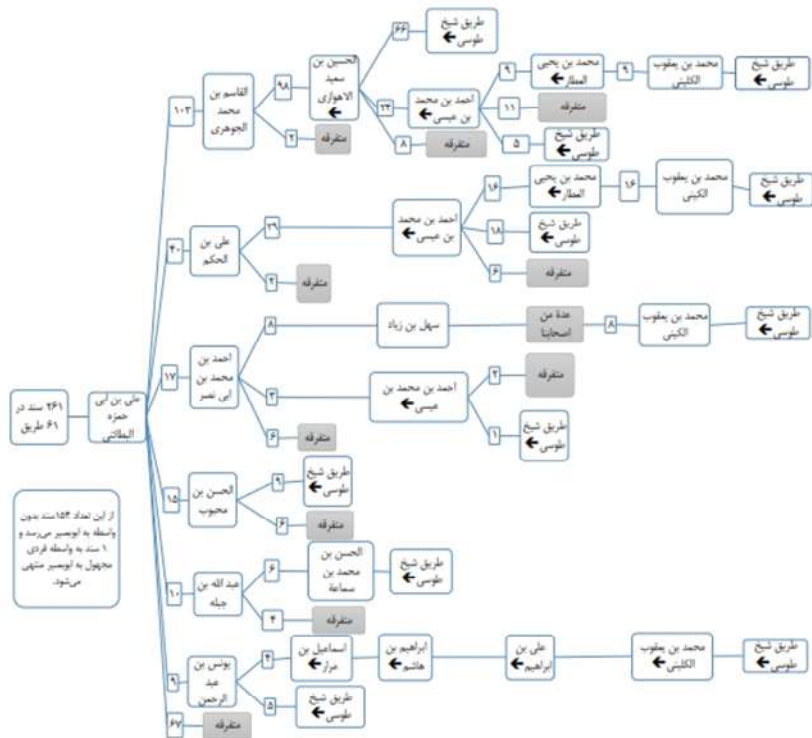
۳-۶- طرق تهذیب الأحكام به روایت‌های بطائنی

اسناد و طرق، ۲۶۱ سند در ۶۱ طریق را برای طوسی در کتاب «تهذیب الاحکام» تا بطائنی نشان می‌دهند. مهم‌ترین طریق طوسی به بطائنی با توجه به مشیخه «حسین بن سعید از قاسم بن محمد» است. بنابر نمودار ششم، حدود ۴۰ درصد روایت‌های بطائنی (۱۰۳ روایت) به واسطه «قاسم بن محمد» است. راوی مستقیم و پروایت دیگر در این کتاب، «علی بن حکم» با ۴۰ سند است. نمودار ششم نشان می‌دهد

که طرق شیخ به بطائنی از صاحبان کتب می‌گذرد و بسیاری از آن‌ها در کتب فهرست، در طریق به یکدیگر قرار دارند.

۳۶ سند شیخ با کمک مشیخه به کلینی باز می‌گردد. مقایسه طرق شیخ و کلینی - نمودار نخست و ششم - نشان‌دهنده اشتراک این طریق‌ها با یکدیگر است. در کتاب «تهذیب الأحكام» نیز، نزدیک به ۶۰ درصد روایت‌های بطائنی از ابوبصیر است.

نمودار ششم: طریق شیخ طوسی به روایت‌های بطائنی در تهذیب الأحكام



نتایج تحقیق

بطائنی یکی از راویان پر حدیث است که در پذیرش و رد روایت‌های وی نزد دانشیان رجال اختلاف وجود دارد. بطائنی محضر سه امام را درک کرد. در ابتدا به همراه ابوبصیر محضر امام صادق(ع) می‌رسید. سپس، در دوران امام کاظم(ع) به عنوان وکیل آن حضرت شناخته شد و بسیاری از اصحاب به او مراجعه کردند؛ اما در دوران امامت امام رضا(ع)، با طمع در اموال امامت، یکی از پایه‌گذاران واقفه شد. پژوهش در اعتبار روایت‌های بطائنی نشان می‌دهد، مذمت‌های بطائنی به این دوره باز می‌گردد، زمانی که مورد طرد بسیاری از اصحاب قرار گرفت و مشایخ حدیثی اخذ روایت از او نداشتند. بطائنی در دوران امامت امام رضا(ع) تضعیف شد و این تضعیف موجب طرد روایت‌هایی که در قبل از آن منتقل کرده است، نمی‌شود. عموم فقها روایت‌های بطائنی را پذیرفته‌اند و به کلام طوسی - حجیت این روایت‌ها مادامی که معارض نداشته باشد - پایبند هستند. اکثر روایت‌های فقهی بطائنی مؤید روایی دارد و می‌توان مضمون آن را پذیرفت. بر اساس ترسیم شبکه‌ای اسناد بطائنی، اکثر این روایت‌ها توسط علی بن حکم و جوهری نقل شده‌اند و طریق شیخ صدوق در غیر از کتاب «الفقیه» طریق منحصری است که اثری از آن در کتب فهرستی و مشیخه‌ها نیست.

منابع و مأخذ

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰). *مستطرفات السرائر*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹). *مناقب آل ابی طالب*. قم: علامه.
۳. ابن عقده، احمد بن محمد (۱۴۲۴). *فضائل امیرالمؤمنین (ع)*. قم: دلیل ما.
۴. ابن غضائری، احمد بن حسن (۱۴۲۲). *رجال ابن الغضائری*. قم: دار الحدیث.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۳۰). *جمال الاسبوع*. قم: دارالرضی.
۶. _____ (۱۳۶۸). *فرج المهموم*. قم: دارالذخائر.
۷. _____ (۱۴۰۶). *فلاح السائل*. قم: بوستان کتاب.
۸. _____ (۱۴۱۱). *مهج الدعوات*. قم: دارالذخائر.
۹. ابن فهد حلی، جمال الدین احمد (۱۴۰۷). *المهذب البارع*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۱۰. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). *کامل الزیارات*. نجف: دار المرتضویه.
۱۱. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹). *المزار الکبیر*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. ابوالصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۴). *تقریب المعارف*. قم: الهادی.
۱۳. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف الغمة*. تبریز: بنی هاشم.
۱۴. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). *مجمع الفائدة و البرهان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. اسکافی، محمد بن همام (۱۴۰۴). *التمحیص*. قم: مدرسة الإمام المهدي (عج).
۱۶. اشعری، احمد بن محمد بن عیسی (۱۴۰۸). *النوادر*. قم: مدرسة الإمام المهدي (عج).
۱۷. _____ (۱۴۲۱). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه امام خمینی.
۱۸. _____ (۱۴۲۱). *کتاب الطهارة*. تهران: مؤسسه امام خمینی.
۱۹. اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲). *الزهد*. قم: المطبعة العلمية.
۲۰. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). *الحدائق الناضرة*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۴۲۰). *الرجال*. قم: النشر الإسلامی.
۲۲. _____ (۱۳۷۰). *المحاسن*. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۲۳. بروجردی، حسین (۱۴۱۴). *الموسوعة الرجالية*. تحرير: میرزا حسن نوری همدانی، مجمع البحوث الاسلامیة فی الآستانة الرضویة.
۲۴. _____ (۱۴۱۳). *تقریرات ثلاث*. مقرر: علی پناه اشتهازی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. _____ (بی تا). *نهایة التقریر*. مقرر: محمدفاضل موحدی لنکرانی، بی جا: بی نا.
۲۶. بهبهانی، محمدباقر (۱۴۲۴). *مصاییح الظلام*. قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی.
۲۷. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱). *الاصول الستة عشر*. قم: مؤسسه دار الحدیث.
۲۸. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۲۹. حسینی عاملی، سیدجواد بن محمد (۱۴۱۹). *مفتاح الکرامه*. قم: جامعه مدرسین.
۳۰. حکیم، سیدمحسن (۱۴۱۶). *مستمسک العروة الوثقی*. قم: مؤسسه دار التفسیر.
۳۱. حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸). *نزهة الناظر و تنبیه الخاطر*. قم: مدرسة الإمام المهدي (عج).
۳۲. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳). *قرب الاسناد*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۳۳. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱). *کفایة الأثر*. قم: بیدار.

۳۴. خصیبي، حسين بن حمدان (۱۴۱۹). *الهداية الكبرى*. بيروت: البلاغ.
۳۵. خميني، سيد روح الله (۱۴۱۵). *المكاسب المحرمة*. قم: مؤسسه امام خميني.
۳۶. خوئي، سيدابوالقاسم (۱۴۱۸). *موسوعة الامام الخوئي*. قم: مؤسسه احياء آثار الامام الخوئي.
۳۷. داوري، مسلم (۱۴۱۶). *اصول علم الرجال*. قم: نمونه.
۳۸. ديلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲). *ارشاد القلوب*. قم: الشريف الرضي.
۳۹. راوندي، قطب الدين سعيد بن هبة الله (۱۴۰۹ الف). *قصص الانبياء*. مشهد: مركز پژوهش های اسلامي.
۴۰. _____ (۱۴۰۹ ب). *الخرائج والجرائح*. قم: مؤسسه امام مهدي (عج).
۴۱. _____ (۱۴۰۷). *الدعوات*. قم: مدرسه امام مهدي (عج).
۴۲. زهدري حلي، نجم الدين جعفر (۱۴۲۸). *ايضاح ترددات الشرايع*. قم: كتابخانه آية الله مرعشي نجفي.
۴۳. سبزواري، محمدباقر (۱۲۴۷). *ذخيرة المعاد*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۴۴. سيوري حلي، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴). *التنقيح الرائع*. قم: كتابخانه آية الله مرعشي نجفي.
۴۵. شبيري زنجانى، سيدموسى (۱۴۱۹). *كتاب نکاح*. قم: مؤسسه پژوهشى رايرداز.
۴۶. شعيرى، محمد بن محمد (بى تا). *جامع الاخبار*. نجف: مطبعة حيدرية.
۴۷. شهيد اول، محمد بن جمال الدين (۱۴۱۷). *الدرروس الشرعية*. قم: دفتر تبليغات اسلامي.
۴۸. _____ (۱۴۱۹). *ذكرى الشيعة*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۴۹. شهيد ثاني، زين الدين بن على (۱۴۲۱). *رسائل الشهيد*. قم: دفتر تبليغات اسلامي.
۵۰. _____ (بى تا الف). *روض الجنان*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۵۱. _____ (بى تا ب). *مسالك الافهام*. تحقيق: مؤسسه المعارف الإسلامية.
۵۲. شيخ انصاري، مرتضى (۱۴۱۵). *كتاب الطهارة*. قم: كنگره جهاني بزرگداشت شيخ اعظم انصاري.
۵۳. شيخ بهائى، محمد بن الحسين (۱۴۱۴). *مشرق الشمسيين*. شارح: اسماعيل خواجوى مازندراني، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۵۴. صدوق، محمد بن على (۱۳۷۶). *الامالى*. تهران: كتابچى.
۵۵. _____ (۱۳۹۸). *التوحيد*. قم: مؤسسه النشر الاسلامي.
۵۶. _____ (۱۳۶۲). *الخصال*. تحقيق: على اكبر غفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين.
۵۷. _____ (۱۴۰۶). *ثواب الاعمال*. قم: دار الشريف الرضي.
۵۸. _____ (۱۹۶۶). *علل الشرايع*. نجف: المكتبة الحيدرية.
۵۹. _____ (۱۳۷۸). *عيون اخبار الرضا (ع)*. نشر جهان.
۶۰. _____ (۱۴۱۳). *من لا يحضره الفقيه*. قم: جامعه مدرسين.
۶۱. _____ (۱۳۹۵). *كمال الدين*. تهران: اسلاميه.
۶۲. _____ (۱۴۰۳). *معانى الاخبار*. قم: جامعه مدرسين.
۶۳. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). *بصائر الدرجات*. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
۶۴. صيمرى، مفلح بن حسن (۱۴۲۰). *غاية المرام*. بيروت: دار الهادى.
۶۵. طبرسى، احمد بن على (۱۴۰۳). *الإحتجاج على أهل اللجاج*. مشهد: مرتضى.
۶۶. طبرسى، حسن بن فضل (۱۳۷۰). *مكارم الاخلاق*. قم: شريف رضى.

۶۷. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵). *مشکاة الأنوار*. نجف: المكتبة الحيدرية.
۶۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷). *إعلام الوری*. قم: مؤسسة آل البيت (ع).
۶۹. طبری آملی، عماد الدین محمد بن ابی القاسم (۱۳۸۳). *بشارة المصطفى لشعبة المرتضى*. نجف: المكتبة الحيدرية.
۷۰. طبری آملی، محمد بن جریر (۱۴۱۳). *دلائل الإمامة*. قم: بعثت.
۷۱. طریحی، فخرالدین بن محمد (بی تا). *جامع المقال*. تهران: چاپخانه حیدری.
۷۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰). *الاستبصار فيما اختلف من الاخبار*. تهران: دار الکتب الاسلامية.
۷۳. _____ (۱۴۱۴). *الامالی*. قم: دارالثقافة.
۷۴. _____ (۱۴۲۰). *الرجال*. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۷۵. _____ (۱۴۱۷). *العدة فی أصول الفقه*؛ تحقیق: محمدتقی علاقبندیان، قم: بی نا.
۷۶. _____ (۱۴۰۹). *الغیبة*. قم: دار المعارف الإسلامية.
۷۷. _____ (۱۴۲۰). *الفهرست*. قم: ستاره.
۷۸. _____ (۱۴۰۷). *تهذیب الاحکام*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۷۹. _____ (۱۴۱۱). *رجال الکشی*. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاهی.
۸۰. عاملی ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۱۹). *استقصاء الاعتبار*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۸۱. عاملی، حسن بن زین الدین (۱۴۰۸). *التحریر الطاوسی*. بیروت: مؤسسة الاعلمی.
۸۲. _____ (۱۴۱۸). *معالم الدین*. قم: مؤسسة الفقه.
۸۳. علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). *تحریر الأحکام*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۸۴. _____ (۱۴۱۴). *تذکرة الفقهاء*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۸۵. _____ (۱۴۱۷). *خلاصة الأقوال*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۸۶. _____ (۱۴۱۳). *مختلف الشیعة*. قم: جامعه مدرسین.
۸۷. _____ (۱۴۱۲). *منتهی المطلب*. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۸۸. علوی عاملی، میرسیداحمد (بی تا). *مناهج الأخیار فی شرح الاستبصار*. قم: اسماعیلیان.
۸۹. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی*. تهران: المطبعة العلمية.
۹۰. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۱۷). *کشف الرموز*. قم: جامعه مدرسین.
۹۱. فاضل هندی، محمد بن حسن اصفهانی (۱۴۱۶). *کشف اللثام*. قم: جامعه مدرسین.
۹۲. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). *روضه الواعظین*. قم: رضی.
۹۳. فخر المحققین حلّی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *ایضاح الفوائد*. قم: اسماعیلیان.
۹۴. قاضی نعمان، نعمان بن محمد (۱۴۰۹). *شرح الأخبار*. قم: جامعه مدرسین.
۹۵. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴). *تفسیر التمیی*. قم: دار الکتب.
۹۶. کلباسی، ابوالهدی بن ابی المعالی (۱۴۱۹). *سماء المقال*. قم: مؤسسه ولی عصر (عج).
۹۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامية.
۹۸. کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰). *کنز الفوائد*. قم: دار الذخائر.
۹۹. مامقانی، عبدالله (بی تا). *تنقیح المقال*. نجف: مطبعة المرتضوية.
۱۰۰. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶). *روضه المتقین*. قم: کوشانبور.

١٠١. محقق حلي، جعفر بن الحسن (١٤١٣). *الرسائل التسع*. قم: كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي.
١٠٢. _____ (١٤٠٧). *المعتبر في شرح المختصر*. قم: سيدالشهداء (ع).
١٠٣. _____ (١٤٠٨). *شرايع الاسلام*. قم: مؤسسه اسماعيليان.
١٠٤. _____ (١٤١٢). *نكت النهاية*. قم: جامعه مدرسين.
١٠٥. محقق داماد، سيدمحمد يزدي (١٤٠١). *كتاب الحج*. مقرر: عبدالله جوادى آملی، قم: چاپخانه مهر.
١٠٦. _____ (١٤١٦). *كتاب الصلاة*. مقرر: محمد مؤمن و عبدالله جوادى آملی، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
١٠٧. محقق كركي، علي بن حسين (١٤١٤). *جامع المقاصد*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
١٠٨. مسعودی، علي بن حسين (١٣٨٤). *اثبات الوصية*. قم: انصاريان.
١٠٩. مفيد، محمد بن محمد (١٤١٤). *الاختصاص*. بيروت: دارالمفيد.
١١٠. _____ (١٤١٣ الف). *الإرشاد*. قم: كنگره شيخ مفيد.
١١١. _____ (١٤١٣ ب). *الإفصاح في الإمامة*. قم: دار المفيد.
١١٢. _____ (١٤١٣ ج). *المقنعة*. قم: كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد.
١١٣. _____ (١٤١٣ د). *رسالة المتعة*. قم: كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد.
١١٤. موسى عاملی، محمد بن علي (١٤١١ الف). *مدارك الأحكام*. بيروت: مؤسسه آل البيت (ع).
١١٥. _____ (١٤١١ ب). *نهاية المرام*. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
١١٦. نجاشي، احمد بن علي (١٣٦٥). *الرجال*. قم: جامعه مدرسين.
١١٧. نجفي، محمدحسن بن باقر (١٤٠٤). *جواهر الكلام*. بيروت: دار احياء التراث العربي.
١١٨. نراقي، احمد بن محمد مهدي (١٤١٧). *عوائد الايام*. قم: دفتر تبليغات اسلامي.
١١٩. _____ (١٤١٥). *مستند الشيعة*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
١٢٠. نعماني، ابن ابى زينب محمد بن ابراهيم (١٣٩٧). *الغيبة*. تهران: نشر صدوق.
١٢١. نوري، حسين بن محمد تقى (١٤٠٨). *مستدرك الوسائل*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
١٢٢. همداني، آقارضا (١٤١٦). *مصباح الفقيه*. قم: مؤسسه الجعفرية لاحياء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی.
١٢٣. يعقوبی، أحمد بن أبى يعقوب (بى تا). *تاريخ يعقوبی*. بيروت: دار صادر.